

صلاحیت دولتها در رسیدگی به جرایم بین‌المللی



دکتر حسین میرمحمدصادقی

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

پرتال جامع علوم انسانی

با به واقعیت نزدیک شدن نظریه دهکده جهانی، مشکل اجرای عدالت در فراسوی مرزها با توجه به تفاوت در محتوا، ساختار و رویه دادرسی کشورها بیشتر شده است. این امر مشکل چگونگی تعیین صلاحیت دولتها برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی را به وجود می‌آورد. منظور از صلاحیت کیفری، اقتدار دولت برای محاکمه مجرمان به خاطر ارتکاب جرم است. این صلاحیت عمدتاً بر مبنای یکی از چهار اصل زیر استوار می‌باشد.

اصل صلاحیت سرزمینی یا درون مرزی^(۱)

این اصل مهمترین و قدیمی‌ترین اصل در تعیین صلاحیت کیفری است و به موجب آن، صلاحیت دولت برای رسیدگی به جرم با وجه به محل ارتکاب تمام یا بخشی از آن جرم تعیین می‌گردد. فوایدی که برای پذیرش این اصل - که با ظهور دول بزرگ تحول یافته است - ارائه می‌شود از جمله آن است که با پذیرش این اصل بررسی دلایل، امارات و قرائن موجود در مورد هر جرم با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد، هدف عبرت‌انگیز بودن کیفر بهتر تأمین می‌گردد و اقتدار و حاکمیت دولت نیز حفظ می‌شود.

این اصل مورد حمایت اشخاصی چون ولتر، منتسکیو، روسو و بکاریا قرار گرفته است. ولتر در کتاب «فرهنگ فلسفه» خود محل وقوع جرم را بهترین محل برای رسیدگی به آن می‌داند. منتسکیو به لزوم تناسب قانون با اخلاق، تاریخ و محیط هر کشور تأکید دارد و معتقد است که یک جامعه خاص نمی‌تواند برای جامعه دیگر قانون وضع کند. روسو نیز در کتاب قرارداد اجتماعی خود بر این اعتقاد است که عنصر اصلی در پیمان اجتماعی فرضی منعقد شده بین اعضای جامعه عنصر سرزمین می‌باشد و این پیمان فقط کسانی را ملزم می‌سازد که آن را امضا کرده‌اند. بالاخره بکاریا در رساله جرایم و مجازاتها اظهار می‌دارد:

«جسارت را بدانجا رسانده‌اند که گفته‌اند اگر جرمی در قسطنطنیه صورت گیرد، می‌توان مرتکب آن جرم را در پاریس کیفر داد؛ و دلیل هم می‌آورند که کسی که به یک جامعه بشری اهانت می‌کند همه مردم باید او را دشمن خود بدانند و جهان او را به دیده حقارت و نفرت بنگرد. ولی باید یادآور شد که قضات منتقم نوع بشر نیستند، بلکه مدافع پیمان‌هایی خاص هستند که پارادای از افراد را به یکدیگر می‌پیوندد. جرم باید در جایی کیفر داده شود که در آنجا روی داده است. علت هم این است که فقط در آنجا، و نه در جای دیگر، افراد ناگزیرند که با کیفر، آثار شومی را ترمیم کنند که جرم به وجود آورده است. مجرمی که جرایم قبلی او قانون کشوری را که او عضو آن نبوده نقض نکرده است ممکن است در این جامعه منفور باشد و او را از این جامعه برانند ولی قانون نمی‌تواند کیفری دیگر

درباره او روا دارد، چه این قانون برای خطایی وضع شده که نسبت بدان مرتکب می‌شوند نه برای جرمی که هرگز آسیبی بدان نمی‌رساند.^(۲)

بدین ترتیب اصل درون مرزی بودن به عنوان یکی از مقتضیات حقوق بشر و آزادی انسانها در حقوق فرانسه پس از انقلاب کبیر و در حقوق بسیاری از کشورهای دیگر راه یافت. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰ (که در سال ۱۳۷۵ مدت اجرای آزمایشی آن به مدت ده سال دیگر تمدید شد) نیز اشعار می‌دارد: «قوانین جزایی در مورد کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد، مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.» این «ترتیبات دیگر» در برخی از مواد بعدی قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته‌اند که در جای خود راجع به آنها سخن خواهیم گفت.

اصل صلاحیت سرزمینی را به نوبه خود به دو نوع تقسیم کرده‌اند: اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا موردی^(۳) و اصل صلاحیت زمینی نوعی یا عینی^(۴) که بعضاً تحت عنوان «نظریه عناصر متشکله»^(۵) و «نظریه آثار»^(۶) نیز از آنها نام می‌برند. مطابق اصل اول، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که تمام یا بخشی از آن جرم در قلمرو حاکمیت آن دولت - اعم از زمینی، دریایی یا هوایی - ارتکاب یافته باشد. مطابق اصل دوم، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که نتیجه یا آثار سوء آن جرم در محدوده قلمرو آن دولت رخ داده باشد. مثلاً اگر کسی با شلیک یک گلوله یا ارسال یک بسته پستی حاوی بمب از داخل کشور (الف) کسی را در داخل کشور (ب) به قتل برساند، کشور (الف) بر اساس «اصل سرزمینی شخصی» و کشور (ب) بر اساس «اصل سرزمینی عینی» حق محاکمه و مجازات وی را دارند. در دعوی مطروحه علیه ژنرال مانوئل نوریگا^(۷) در دادگاههای آمریکا، صلاحیت محکمه بر اساس اصل سرزمینی عینی محرز دانسته شد. نوریگا، در فوریه سال ۱۹۸۸ با دو کیفر خواست در فلوریدا به اتهام تبانی برای وارد کردن و توزیع کوکائین و ماری جوانا در آمریکا روبرو بود.

۲- نگاه کنید به: حسینی‌نژاد، حقوق کیفری بین‌الملل (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۳) ص ۴۲-۲.

3- Subjective territorial principle

4- Objective territorial principle

5- The constituent element doctrine

6- The effects doctrine

7- General Manual Noriega

در بیستم دسامبر ۱۹۸۹ تعداد ۱۰/۰۰۰ سرباز آمریکایی پاناما را اشغال کرده و یک دولت طرفدار خود را بر سر کار گذاشتند.

نوریگا ابتدا به سفارت واتیکان پناهنده شد ولی نهایتاً خود را به قوای آمریکایی تسلیم کرد. وی در محاکم آمریکا مورد محاکمه قرار گرفت و محکمه صلاحیت خود را بر مبنای اصل سرزمینی نوعی محرز دانست. در نظر سنجی انجام شده از مردم آمریکا، ۷۴ درصد از آنها اشغال پاناما و ۷۰ درصد به محاکمه کشیده شدن نوریگا را در آمریکا مورد تایید قرار دادند که این آمار نشانگر نفرت آمریکائیان از بانیان قاچاق مواد مخدر در آمریکا که معضل عظیمی برای این کشور شده است، می‌باشد.^(۸) در همین جا اشاره به این نکته ضروری است که دادگاههای آمریکا در مواردی که شخص مجرم از یک کشور دوست و با نقض مقررات معاهده استرداد مجرمین بین آمریکا و آن کشور، ربوده شده و برای محاکمه به آمریکا برده شده است. بعضاً خود را صالح به رسیدگی ندانسته‌اند. نمونه این مورد دعوی راجع به هامبر توآلوارز ماشن^(۹) بود.

در فوریه ۱۹۸۵، یکی از مأموران اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا به نام کامارنا^(۱۰) در شهر گوادالاجارا در مکزیک ربوده شد و یک ماه بعد بدن مثله شده وی در ده کیلومتری شهر یافت شد. کیفر خواست صادره علیه ماشن این قتل را به وی نسبت می‌داد ولی تلاشهای دولت آمریکا برای استرداد وی براساس معاهده استرداد فیما بین دو کشور مثمر واقع نشد.

بالاخره در دوم آوریل ۱۹۹۰ چند نفر تفنگدار مسلح، وی را از دفتر کارش در مکزیک ربوده و به آمریکا بردند. دادگاه رأی داد که این آدم‌ربایی نقض معاهده استرداد منعقدہ بین دو کشور بوده است.^(۱۱)

بعضی از نویسندگان، نوع سومی را نیز برای اصل صلاحیت سرزمینی قائل شده‌اند و آن «اصل

8- Ph. B. Heymann & I.H. Cershengorn, "Pursuing Justice, Respecting the Law" in A.Eser & O. Lagodny (eds), Principles and Procedures for a New Transnational Criminal Law, PP. 101-147 at P.13

9- Humberto Alvarez - Machain

10- Enrique Camarena - Salazar

11-Heyman, op. cit, pp. 132-133

سرزمین شناور^(۱۲) است. مطابق این اصل، کشور صاحب پرچم صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشتی یا هواپیمای تحت پرچم آن کشور را دارد. بدیهی است با توجه به این که کشتی یا هواپیما جزء قلمرو کشور صاحب پرچم محسوب می‌شوند می‌توان این نوع صلاحیت را نوع جدیدی محسوب نکرده و تحت همان دو نوع سابق الذکر مورد بررسی قرار داد.

در حقوق ایران، علاوه بر اصل صلاحیت سرزمینی شخصی که در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی به شرح پیش گفته مورد حمایت قرار گرفته است، به اصل صلاحیت سرزمینی عینی نیز در قسمت اخیر ماده ۴ قانون مجازات اسلامی توجه شده است. مطابق این ماده:

“هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است.” (تأکید از ما است).

اصل ملیت (۱۳)

ممکن است دولتی به استناد این که مرتکب یا قربانی جرم تبعه آن کشور می‌باشد خود را صالح به رسیدگی به جرم بداند. رسیدگی در حالت اول براساس آنچه که تابعیت فعال^(۱۴) نامیده می‌شود و در حالت دوم براساس اصل تابعیت منفعل^(۱۵) صورت می‌پذیرد. بسیاری از کشورهای اروپایی معتقدند که تابعیت آنچنان ارتباط محکمی بین فرد و دولت متبوع او ایجاد می‌کند که دولت مذکور می‌تواند تبعه خود را به دلیل ارتكاب جرم در هر نقطه‌ای از دنیا به محاکمه بکشد، البته به شرط آن که عمل ارتكابی وی هم مطابق قوانین کشور محل ارتكاب و هم براساس قوانین کشور متبوع جرم محسوب گردد. دولت به این ترتیب حاکمیت خود را بر اتباعش اعمال می‌کند. هرچند که پذیرش این اصل در آمریکا به گستردگی و اهمیت آن در اروپا نیست لیکن در این کشور نیز در مواردی این اصل مورد استفاده قرار گرفته است. در یک مورد، ارتكاب قتل عمد توسط یک تبعه آمریکا در یک جزیره

12- Floating territorial principle

13- Nationality or Personality principle

14- Active personality

15- Passive personality

غیرمسکون نقض قوانین آمریکا و قابل تعقیب در این کشور دانسته شد.^(۱۶) قانون جرایم جنگی آمریکا مصوب اوت ۱۹۹۶ نیز تمام کسانی را که در هر نقطه از جهان مرتکب نقض جدی کنوانسیونهای ژنو می‌شوند به شرط آن که یا مجرم یا قربانی عضو ارتش آمریکا یا تبعه این کشور باشد در آمریکا قابل تعقیب و مجازات دانسته است که این مجازات حتی می‌تواند اعدام باشد.

در قوانین ایران می‌توان انعکاس این اصل را در مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ مشاهده کرد. به موجب ماده ۶:

«هر جرمی که ... مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.»

و بر اساس ماده ۷:

علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.

لازم به ذکر است که به نظر می‌رسد با توجه به لزوم پرهیز از اعمال مجازات مضاعف این مواد در صورتی قابل اعمال می‌باشند که فرد مرتکب در کشور محل ارتکاب جرم مجازات نشده باشد.

در مواردی ممکن است دولتی به استناد این که قربانی جرم تابعیت آن دولت را دارد خود را صالح به رسیدگی بداند. از میان پنج اصل راجع به صلاحیت، این اصل از همه بحث‌انگیزتر است، هر چند که در برخی از کنوانسیونهای بین‌المللی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. برای مثال کنوانسیون راجع به گروگان‌گیری به دول امضاکننده اجازه می‌دهد تا در مواردی که شخص گروگان گرفته شده از اتباع آنهاست برای خود صلاحیت برون مرزی قائل شوند. دولت آمریکا هر چند نسبت به پذیرش این اصل تردیدهایی داشته تا مبادا کشورهای خارجی این اصل را مبنای صدور احکامی علیه آمریکائیان قرار دهند، لیکن در عین حال در مواردی که اتباع این کشور در خارج از مرزهای آن به گروگان گرفته

شده و یا قربانی اعمال تروریستی قرار گرفته‌اند، این دولت به استناد این اصل تقاضای استرداد متهم را کرده و در صورت امکان وی را در دادگاه‌های آمریکا به محاکمه کشیده است. از جمله می‌توان از دعوی دولت آمریکا علیه یونس نام برد. یونس از اتباع لبنان و متهم به ربودن یک هواپیمای متعلق به شرکت هواپیمایی اردن از بیروت و منفجر کردن آن پس از آزادسازی همه مسافران بود. دولت آمریکا به استناد تابعیت آمریکایی دو تن از گروگانها یونس را در آبهای بین‌المللی ربوده و برای محاکمه در سال ۱۹۸۸ به آمریکا برد. مورد دیگر تقاضای استرداد محمد عباس زیدان از اعضای سازمان آزادیبخش فلسطین از سوی آمریکا به دلیل ربودن کشتی ایتالیایی **Achille Lauro** در آبهای مصر و کشتن یکی از اتباع آمریکا به نام لئون کلینگهافر^(۱۷) در سال ۱۹۸۵ بود. البته در این مورد اخیر پس از محکوم شدن متهم به طور غیابی در دادگاه‌های ایتالیا، دولت آمریکا درخواست استرداد و حکم توقیف خود را مسترد داشت. در این مورد تقاضای دولت آمریکا دایر بر استرداد اتباع لیبی به خاطر سرنگون کردن یک هواپیمای آمریکایی بر فراز اسکاتلند نیز قابل ذکر است. به علاوه، با افزایش عملیات تروریستی علیه اتباع آمریکا، کنگره این کشور در سالهای اخیر، قوانینی را برای محاکمه کسانی که اتباع آمریکا را در خارج از مرزهای این کشور به قتل رسانیده یا به گروگان می‌گیرند تصویب کرده است^(۱۸) پاراگراف اول از بخش هفتم قانون جزای آلمان نیز این اصل را در مورد جرایم ارتكایی علیه اتباع آلمان در خارج از مرزهای این کشور پذیرفته است. همین‌طور در محاکماتی مثل محاکمه آیشنمن در اسرائیل در سال ۱۹۶۵ صلاحیت دادگاه‌های این کشور برای رسیدگی به جرایم مورد اتهام براساس این اصل (به اعتبار یهودی بودن قربانیان جرایم نازیها) و نیز براساس اصل جهانی بودن صلاحیت^(۱۹) که در ادامه این مقاله راجع به آن توضیح خواهیم داد، محرز دانسته شده است.

17- Leon Klinghoffer

۱۸ - برای مثال نگاه کنید به قوانین زیر:

The Act for Prosecution of Terrorist Acts Abroad Against U.S. Nationals, 1988; The Omnibus Diplomatic Security and Anti Terrorism Act, 1986; The Act for the Prevention and Punishment of the Crime of Hostage Taking.

اصل صلاحیت حمایتی یا حفاظتی^(۲۰)

براساس این اصل دولتی که از جرم ارتکاب یافته در خارج از مرزهای آن از هر حیث متضرر شود می‌تواند مجرم را در دادگاههای خود تحت تعقیب قرار دهد. این ضرر ممکن است ضرر معنوی هم باشد و به حاکمیت و حیثیت دولت خدشه وارد کند. مرتکب جرم ممکن است تبعه همان کشور و یا یک فرد خارجی باشد. بنابراین مطابق این اصل، صلاحیت دادگاههای یک کشور برای رسیدگی به جرم براساس منافع خدشه‌دار شده آن تعیین می‌گردد و نه بر این اساس که جرم در کدام کشور ارتکاب یافته است. قوانین بسیاری از کشورهای اروپایی (مثل فرانسه و آلمان) و آمریکا صلاحیت محاکم این کشورها را در رسیدگی به جرایمی که در خارج ارتکاب یافته ولی موجب خدشه‌دار شدن منافع این کشورها می‌شود به رسمیت شناخته‌اند.

دعوی "آمریکا علیه لیتون"^(۲۱) یک نمونه از اعمال این اصل را توسط آمریکا نشان می‌دهد. متهم دعوی یعنی لری لیتون متهم شده بود به توطئه برای قتل لئوریان^(۲۲) که یک نماینده کنگره آمریکا بود. دادگاه تمامی تئوریهای راجع به صلاحیت را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً نظر داد که:

"دادگاه اصل حمایتی را مناسب‌ترین اصلی می‌داند که می‌تواند پایه و اساس احراز صلاحیت در این دعوی باشد، چرا که کشتن نماینده مذکور باعث پایان یافتن زود هنگام فعالیت‌های وی به عنوان نماینده کنگره شده و بنابراین موجب لطمه وارد شدن به یک وظیفه مهم دولتی گشته است. کشتن ریان را همچنین می‌توان مسبب ورود خسارت بالفعل یا بالقوه به حق حاکمیت ایالات متحده دانست."^(۲۳)

در حقوق آلمان نیز هرگاه جرایم ارتکاب یافته در خارج از این کشور برای امنیت یا سایر منافع

20- Protective Principle

21-U.S. V. Layton, 509 F.Supp. 212 (N.D. Cal. 1981)

22- Leo Ryan

23- See: Ch.L. Blakesley & O. Lagondy, "Competing National Laws : Network or Jungle?" in A. Eser & O.Lagondy (eds), Principles and Procedures for a New Transnational Criminal Law (Freiburg:1992) at P. 53

آن، مثلاً برای اقتصاد ملی، مضر باشند، این جرایم در دادگاه‌های آلمان قابل پیگرد خواهند بود. (۲۴)

همین‌طور طبق قوانین فرانسه اعمالی از قبیل جعل اسکناس رایج کشور با خدشه‌دار کردن امنیت دولت حتی اگر در خارج از مرزهای فرانسه رخ داده باشند در دادگاه‌های فرانسه قابل پیگیری می‌باشند. (۲۵)

برخی از مواد قانونی ایران نیز براساس این اصل نگاشته شده‌اند که از جمله می‌توان به مواد زیر اشاره کرد:

ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ اشعار می‌دارد: «هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران (۲۶) مجازات می‌شود:

۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران.

۲- جعل فرمان یا دست‌خط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن.

۳- جعل نوشته رسمی رئیس جمهوری یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاونان رئیس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها.

۴- جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند برات‌های قبول شده از طرف بانکها یا چک‌های صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تعهدآور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیدسازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله».

بد موجب ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵: «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا

عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.^{۲۷} (تأکید از ما است).

ماده ۴۹۹ نیز عضویت در این گونه دسته‌ها، جمعیتها یا شعب جمعیتها را موجب محکومیت به حبس از سه ماه تا پنج سال دانسته است. مگر آن که ثابت شود که فرد عضو اهداف آنها بی اطلاع بوده است. ماده ۵۰۰ فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام را به هر نحو موجب محکومیت به حبس از سه ماه تا یک سال دانسته است. بدیهی است این مجازات در مورد کسانی هم که این گونه فعالیت تینگی را در خارج از کشور انجام می‌دهند قابل اعمال می‌باشد.

اصل صلاحیت جهانی یا همگانی

مطابق این اصل، دولتها حق تعقیب برخی از مجرمین را در قلمرو خود دارند، بدون توجه به این که جرم در کجا رخ داده و مجرم یا قربانی تبعه چه کشوری هستند. یکی از شقوق این اصل، صلاحیت همگانی ناشی از معاهده^(۲۷) است که به موجب آن امضاکنندگان یک معاهده صلاحیت رسیدگی به برخی از جرایم ارتکاب یافته در قلمرو طرفهای دیگر معاهده را دارند.

اصل صلاحیت جهانی یا همگانی بر این فرض مبتنی است که برخی از جرایم آنچنان در نظر همد افراد جامعه جهانی قبیح و قابل سرزنش محسوب می‌شوند که مرتکبین آنها را می‌توان دشمن همد ملل فرض کرد و بنابراین هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمی را خواهد داشت. این اصل استثنایی بر اصل درون مرزی بودن حقوق جزا می‌باشد.

معاهدات بین‌المللی مختلف و نیز عرف بین‌المللی برخی از جرایم را جزء جرایمی دانسته‌اند که با استناد به این اصل توسط همه دولتها قابل تعقیب و پیگرد هستند، از قبیل دزدی دریایی، تجارت برده، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی، نژادپرستی، هواپیماربایی و گروگان‌گیری. در مورد این که آیا قاچاق مواد مخدر نیز در زمره این جرایم قرار می‌گیرند یا خیر بحثهای زیادی انجام

شده است. در حال حاضر، می‌توان گفت که کنوانسیون سازمان ملل متحد بر ضد قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان^(۲۸) (وین، ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸) که توسط ۱۰۶ کشور امضا شده است گمی در راستای اعمال صلاحیت جهانی در مورد این جرایم برداشته است. لیکن وضعیت هنوز چندان روشن نیست. مثلاً در مورد این که این اصل باید در مورد کدام یک از مواد مخدر اعمال گردد یا این که تبانی برای وارد کردن یا صادر کردن مواد هم مشمول صلاحیت جهانی خواهد بود یا خیر ابهاماتی وجود دارد. این نظریه در حال حاضر از جهت مقبولیت یافتن بین دولتها در حال گسترش است. قانون جزای آلمان در این زمینه خیلی پیشرفته است و جرایمی بسیار بیش از آنچه که در قوانین ایالات متحده آمریکا پیش‌بینی شده است را مشمول این اصل قرار می‌دهد. از جمله این جرایم به موجب قانون جزای آلمان نسل‌کشی؛ جرایم مربوط به انرژی هسته‌ای، مواد منفجره و رادیواکتیو؛ حمله به هواپیماها؛ تشویق به فحشا؛ دست داشتن در معاملات مواد مخدر؛ پورنوگرافی و جعل می‌باشند.^(۲۹)

ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰ بر مبنای اصل صلاحیت جهانی نگاشته شده است. این ماده اشعار می‌دارد:

در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود. اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد.

برخی از نویسندگان را عقیده بر آن است که با ارائه تفسیر موسعی از مفهوم "امنیت ملی" تمامی اصول مذکور غیر از اصل سرزمینی شخصی یا موردی را می‌توان تحت عنوان همان اصل صلاحیت حمایتی (Protective) مطرح کرده و در واقع تنها دو اصل برای صلاحیت دول در رسیدگی به جرایم قائل شد یکی اصل صلاحیت سرزمینی و دیگر اصل صلاحیت حمایتی، یعنی یکی براساس محل ارتکاب جرم و دیگری براساس این که امنیت ملی کشور از ارتکاب جرم صدمه خورده است. برای مثال هرگاه کشوری یکی از اتباع خود را به دلیل ارتکاب جرم در خارج از کشور محاکمه کند

انگیزه آن کشور در رسیدگی به جرم می‌تواند آن باشد که ارتکاب جرم مذکور باعث بدنامی کشور شده و در نتیجه به منافع ملی صدمه زده است. در مورد اصل صلاحیت جهانی نیز همین تحلیل قابل پذیرش است که با توجه به ماهیت خطرناک و شنیع جرم، امنیت ملی دولت تعقیب‌کننده مجرم به عنوان یکی از دول تشکیل‌دهنده جامعه بین‌المللی صدمه خورده است. هویت قربانی جرم نیز بر همین اساس می‌تواند دادگاههای کشور متبوع وی را صالح به رسیدگی به جرم سازد. چرا که ارتکاب جرم علیه اتباع یک کشور می‌تواند امنیت ملی آن کشور را خدشه‌دار کند. البته شاید بتوان از این هم فراتر رفت و اصل صلاحیت سرزمینی شخصی را هم در اصل صلاحیت حمایتی مستتر دانست. چرا که دلیل کشور محل ارتکاب جرم برای تعقیب مجرم نیز آن است که وی با ارتکاب جرم امنیت ملی کشور را خدشه‌دار کرده است.

در پایان بحث از اصول مختلف راجع به صلاحیت دولتها برای رسیدگی به جرایم تذکر این نکته ضروری است که با توجه به تعدد این اصول، ایجاد تعارض بین این صلاحیتهای اجتناب‌ناپذیر است. فرض کنید یک فرانسوی هموطن خود را در خاک آمریکا به قتل برساند. براساس اصل صلاحیت سرزمینی دادگاههای آمریکا برای رسیدگی به جرم صالح می‌باشند در حالی که چه بسا دادگاههای فرانسه نیز با استناد به اصل ملیت (اعم از ملیت قاتل یا مقتول) خود را صالح به رسیدگی بدانند. همین طور اگر کسی با ارسال بسته پستی حاوی بمب یا مواد خوراکی مسموم از یک کشور اروپایی به داخل آمریکا یک آمریکایی را عمداً به قتل برساند، احتمال دارد که هم دادگاههای آمریکا و هم دادگاههای کشور محل ارسال بسته پستی یا مواد خوراکی با اعمال یکی از اصول فوق خود را صالح به رسیدگی به جرم بدانند. یک دعوی آفریقایی نیز در این زمینه قابل ذکر است^(۳۰) و می‌تواند مشکل تعارض بین صلاحیتهای را نشان دهد. متهم زن و شوهری را در زیمبابوه ربوده بود. اجساد این زن و شوهر بعداً در بوتسوانا یافت شد. بدیهی است اگر آنها در زیمبابوه کشته شده و فقط اجسادشان به بوتسوانا برده شده بود، دادگاههای بوتسوانا تحت هیچ عنوانی صلاحیت رسیدگی به جرم را

نداشتند، لیکن قاضی دادگاه بوتسوانا با تکیه بر قرائن و امارات موجود وقوع قتل را در بوتسوانا محرز و در نتیجه به استناد اصل صلاحیت سرزمینی خود را صالح به رسیدگی دانست. مسلماً در این حالت دادگاه‌های زیمبابوه هم می‌توانستند به استناد این که عمل "ربودن" در آن کشور واقع شده و یا به استناد هویت قاتل و مقتولین خود را صالح به رسیدگی بدانند که در نتیجه مشکل تعارض در صلاحیتها پیش می‌آمد. حل این مشکل چندان آسان نیست و برای یافتن پاسخ باید به قوانین کشوری که مجرم را دستگیر کرده است مراجعه کرد. بدیهی است هرگاه قوانین آن کشور حق رسیدگی به جرم را به دادگاه‌های داخلی بدهند، دادگاه‌های مذکور مجرم را مورد محاکمه قرار خواهند داد. مگر آن که معاهده استرداد بین آن کشور و کشور ذینفع دیگر ترتیبات خاصی را در این زمینه مقرر کرده باشد.

آخرین سخن این که با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ایران در می‌یابیم که هرچند مهمترین اصل راجع به صلاحیت در قانون ایران، مثل بسیاری از کشورهای دیگر، اصل صلاحیت سرزمینی شخصی است که بد محل ارتکاب جرم اشاره دارد لیکن، همان طور که قبلاً ملاحظه کردیم، چهار اصل دیگری که در این بخش مورد بحث قرار گرفتند نیز در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی مورد حمایت قرار گرفته‌اند. شبیه چنین موضعی در قانون جزای کشور آفریقایی بوتسوانا قابل مشاهده است.^(۳۱) دادگاه‌های آن کشور در مواردی که نتوانند صلاحیت خود را به موجب اصل صلاحیت سرزمینی یا سایر اصول فوق‌الذکر محرز بدانند از دخالت در دعوی خودداری می‌کنند. برای مثال در یک مورد^(۳۲) که شخصی زنی را در خاک بوتسوانا مورد تعرض جنسی قرار داده و سپس در خاک آفریقای جنوبی به وی تجاوز کرده بود، دادگاه تجدیدنظر رأی داد که دادگاه‌های بوتسوانا صلاحیت رسیدگی به جرم تجاوز را ندارند، چرا که این جرم یک جرم مطلق و آنی می‌باشد و بنابراین نمی‌توان به استناد بخش ۵ قانون جزای بوتسوانا به جرم رسیدگی کرد. این بخش صلاحیت دادگاه‌های این کشور را در مواردی که بخشی از جرم در داخل این کشور و بخشی در خارج ارتکاب یافته است محرز

31- See: K. Frimpong, "Punishing Offences Committed Abroad ..." in Albin Eser & O.Lagodny(eds), op.cit.,pp. 29-45 at p.32

32- State V. Jacobs [1974] 2 B.L.R. 48

می‌داند، شبیه آنچه که در ماده ۴ قانون مجازات اسلامی به شرح سابق الذکر پیش‌بینی شده است. در این دعوی قاضی محکمه بدوی تجاوز را محدود به نزدیکی جنسی نکرده و به استناد این که تعرض ابتدایی در خاک بوتسوانا رخ داده خود را صالح به رسیدگی دانسته بود که این رأی در محکمه تجدیدنظر نقض شد.

در دعوی دیگری،^(۳۳) متهمان چهار رأس گاو را از کشور رودزیا (که اکنون زیمبابوه خوانده می‌شود) دزدیده و آنها را به بوتسوانا برده بودند. دادگاه تجدیدنظر رأی داد که محاکم بوتسوانا حق رسیدگی به دعوی را ندارند، چرا که سرقت یک جرم مستمر نمی‌باشد و تماماً در خارج از خاک بوتسوانا رخ داده است.

در یک مورد دیگر،^(۳۴) متهم دو فقره چک را در آفریقای جنوبی جعل کرده و به جریان انداخته بود. دادگاه تجدیدنظر رأی داد که هر چند چکها متعلق به یک شخص مقیم بوتسوانا بوده و پرداخت مبلغ آنها نیز از طریق بانکی در بوتسوانا انجام شده است، لیکن چون هم عمل جعل و هم ترویج در داخل خاک آفریقای جنوبی رخ داده است، دادگاههای بوتسوانا صلاحیت رسیدگی به دعوی را ندارند.

برعکس، در دعوی دیگری که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت،^(۳۵) محاکم بوتسوانا به استناد این که با توجه به قرائن موجود قتل زن و شوهر ربوده شده از زیمبابوه در خاک بوتسوانا رخ داده است خود را صالح به رسیدگی دانستند.

33- State V. Masilo & Another [1971] 2 B.L.R. 61

34- Ngwenya V. State, Criminal Appeal No. 202 of 1983 (unreported)

35- State V. Mtshwaeli [1981] B.L.R. 232